

دوره دهم تقنيه

جلسه ۲۳

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

یکشنبه ۱۳ مهر ماه ۱۳۱۴ - ۷ رجب ۱۳۵۴

قیمت اشتراك } سالیانه
داخلة : ۷۰ ريال
خارجة : ۱۰۰ ريال
نك شماره : دو ريال

مطبعة مجلس

شماره مسلسل: ۷۰۴

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۱۴ *

فهرست مطالب

- | | |
|--|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۲) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله |
| ۳) تصویب قرار داد تجدید حدود ایران و افغانستان | ۴) شور اول قرارداد اقامت و تجارت و بحر پیمائی بین دولتین ایران و شوروی |
| ۵) شور اول قراردادهای منفعه بین دولتین ایران و شوروی | ۶) راجع بیارزه ملخ و امراض حیوانی و نباتی و صمغ |
| ۷) تقدیم و تصویب لایحه فوری اجازه ضرب مسکوک مسی | ۸) بقیه شور لایحه راجع به ادله اثبات دعوی |
| ۹) تصویب چند فقره مرخصی | ۱۰) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس سه شنبه هشتم مهر را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

- | | |
|---|---|
| ۱- تصویب صورت مجلس] | شود که کد خدا ها مسؤل باشند در مقابل وظائفی که در |
| رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - خیر) | قبال ادارات باید انجام بدهند برای این موضوع يك لایحه |
| صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر داخله | است که تقدیم مجلس شورای ملی میشود . |
| ۲- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله] | ۳- تصویب قرار داد سرحدی ایران و افغانستان] |
| وزیر داخله (آقای جم) - خاطر آقایان مسیوق است | رئیس - بکمیسیون رجوع خواهد شد . شور دوم رأی |
| که در قوانین کشوری از قبیل سجل احوال و نظام وظیفه | حکمیث ترکیه در باب سرحد ایران و افغانستان خبر کمیسیون |
| و سایر قوانین يك وظائفی هست که بمعهده کد خدا های | امور خارجه قرائت میشود . |
| دهات است چون این موضوع کد خدائی تا بحال نظم و | خبر کمیسیون |
| ترتیب صحیحی نداشته است و حالا باید يك ترتیبی داده | کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۰ مهرماه ۱۳۱۴ |

* این مذاکرات مشروح بیست و سومین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آفریماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : رفون - ملکه زاده آملی

غائبین بی اجازه - آقایان : نهرانچی - هراتی - مددل - امیر ابراهیمی - بروجرندی - میرزائی - اقبال

میرآمدگل بی اجازه - آقایان : دکتر آدم - لیتوانی - بیات

لایحه نمره ۲۴۶۴۲ دولت راجع باجراه رای حکمیت دولت ترکیه رانسیب به تجدید حدود دولت شاهنشاهی و دولت افغانستان با حضور آقای معاون وزارت امور خارجه برای شور ثانی تحت مطالعه در آورده و چون در موقع شور اول اعتراضی نرسیده بود لذا کمیسیون امور خارجه خبر اولیه خود را که مشعر بموافقت باعین ماده واحده پیشنهادی دولت بود تأیید نموده و اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس تقدیم مینماید.

رئیس - در مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ اعتراضی نرسیده است در کلیات ثانی نیز اعتراضی نرسیده است ماده واحده قرائت میشود:

ماده واحده - مجلس شورای ملی رأی حکمیت دولت ترکیه را راجع بتجدید حدود ایران و افغانستان که مشتمل بر هفت فصل میباشد و در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ مطابق یازدهم مه ۱۹۳۵ میلادی صادر شده و ضمیمه این ماده واحده میباشد تصویب و بدولت اجازه اجرای آنرا میدهد.

رئیس - نسبت بمجموع این مواد و ماده واحده رأی نگرفته میشود آقابانیکه موافقت دارند قیام میفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۴- شور اول قرار داد اقامت و تجارت و بحر پیمائی دولتین ایران و شوروی]

رئیس - شور اول قرار داد تجارتي و بحر پیمائی منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و اتحاد شوروی است. خبر کمیسیون امور خارجه قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه و کمیسیون اقتصاد ملی در تاریخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۱۴ تشکیل و لایحه نمره ۲۴۶۳۲ دولت راجع بقرارداد اقامت و تجارت و بحریبائی بین دولت شاهنشاهی و دولت اتحاد جماهیر شوروی را باحضور آقایان معاون وزارت امور خارجه و رئیس اداره تجارت مورد شور و مذاقه قرارداد و با توضیحاتی که آقایان معاون وزارت امور خارجه و رئیس اداره تجارت دادند باعین ماده واحده

پیشنهادی دولت موافقت حاصل شد و اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم مینماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه اقامت و تجارت و بحریبائی منعقد بین دولت شاهنشاهی و دولت اتحاد جماهیر شوروی مشتمل بر هیجده ماده و یک پرتکل اختتامیه و هشت فقره مراسلات متعاطیه ضمیمه آنرا که در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۱۴ مطابق ۲۷ اوت ۱۹۳۵ امضاء شده تصویب مینماید.

رئیس - در کلیات اعتراضی نرسیده است. رأی گرفته میشود بورود در شور مواد آقابانیکه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. در مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و همچنین در پرتکل اختتامیه و نیز در مراسله ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ اعتراضی نرسیده است رأی گرفته میشود بورود در شور دوم آقابانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

[۵- شور اول قرار داد های منعقد بین دولتین ایران و شوروی راجع بمبارزه ملخ و امراض و آفات نباتی و صحی و بیطاری]

رئیس - شور اول قرار داد دیگر منعقد بین دولتین ایران و شوروی و ماده واحده قرائت میشود:

کمیسیون امور خارجه و کمیسیون اقتصاد ملی در تاریخ دهم مهر ماه ۱۳۱۴ نواماً تشکیل گردیده و با حضور آقایان معاون وزارت امور خارجه و رئیس اداره فلاح لایحه نمره ۲۴۶۳۴ دولت راجع به سه فقره قراردادهای مبارزه با ملخ و دفع آفات امراض نباتی و قرار داد صحی بیطاری منعقد بین دولت شاهنشاهی و دولت اتحاد جماهیر شوروی را تحت شور و مذاقه قرار داده و در نتیجه توضیحاتی که آقایان نمایندگان دولت دادند باعین ماده واحده پیشنهادی موافقت حاصل شد و اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم می نماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد مبارزه با ملخ در نواحی سرحدی مشتمل بر هشت ماده و قرار داد دفع آفات و مبارزه با امراض نباتی مشتمل بر پنج ماده و دو مراسله متعاطیه و قرار داد صحی بیطاری مشتمل بر بیست و چهار ماده و یک پرتکل و دو نمونه ضمیمه آنرا که در تاریخ چهارم شهریور ۱۳۱۴ مطابق ۲۷ اوت ۱۹۳۵ امضاء شده تصویب می نماید.

رئیس - قرارداد مبارزه ملخ در نواحی سرحدی مطرح است.

در کلیات اعتراض نرسیده است رأی گرفته میشود بورود در شور مواد آقابانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. در مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ اعتراضی نرسیده است رأی گرفته میشود بورود در شور دوم آقابانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. قرار داد دفع آفات حیوانی و مبارزه با امراض نباتی مطرح است در کلیات اعتراضی نرسیده است رأی گرفته میشود بورود در شور مواد موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و همچنین در مراسله اول و دوم اعتراضی نرسیده است رأی گرفته میشود بورود در شور دوم موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. قرار داد صحی بیطاری مطرح است در کلیات اعتراضی نرسیده است رأی گرفته می شود بورود در شور مواد موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. در مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و همچنین در پرتکل و ضمیمه اول و دوم اعتراضی نرسیده

است رأی گرفته میشود بورود در شور ثانی موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۶- شور دوم خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بادلّه اثبات دعوی]

رئیس - مقدمه خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بادلّه اثبات دعوی قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع بدلائل اثبات دعوی را برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را هم مورد شور و مطالعه قرار داده و نظر باینکه لایحه مزبور ضمن پنج کتاب در تعقیب مواد قانون مدنی تنظیم شده بود برحسب پیشنهاد آقای وزیر عدلیه کمیسیون کتاب اول آنرا از سایر مواد تفکیک و رسیدگی نموده با اصلاحاتی که بعمل آمده است اینک راپرت آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد و البته سایر مواد آن هم متدرجاً رسیدگی و راپرت آن تقدیم خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۲۵۷ قرائت میشود:

جلد سوم

در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷ - هرکس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج بدلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.

رئیس - آقای دیبا.

طباطبائی دیبا - راجع باین ماده در کمیسیون عدلیه مذاکرات زیاد شد بالاخره اینطور تصویب شد ولی يك چیزی فملاً بنظر بنده رسید خواستم بعرض برسانم و آن اینست که در این ماده مینویسد هرکس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند در صورتیکه بعد در کتاب دیگر دارد که در شور اول هم بود راجع بقسم يك موادی ما داریم که اگر کسی مدعی حقی هست و اثبات ندارد فقط قسم میدهد آنوقت قسم چطور است و آن مواد بعد با این ماده ممکن است

تناقضی داشته باشد چون اینجا عرض کردم میبوسد هر کسی مدعی حقی است باید اثبات کند اما اگر مدعی حقی هم هست اثبات هم ندارد و آنوقت طرف را قسم میدهد ممکن است با این يك تناقضی داشته باشد این را خواستم آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند که بعد در مقام عمل اسباب زحمت نشود.

وزیر عدلیه (آقای صدر) - تصور میکنم خوب بود آقا قدری بیشتر توضیح میدادند که بنده ملتفت بشوم اعتراض ایشان راجع بکجا است. این ماده يك ماده عامی است و میگوید هر کسی ادعای حقی را میکند اثبات برعهده اوست و اگر طرف مقابل هم ادعای سقوط آن حق را میکند آنهم باز اثبات برعهده اوست نه انکار انکار اثبات ندارد ادعا کنند که حق حاصل شده ولی بجهت از جهات اسقاط شده حلال اینکه بگوید دین بوده ولی پرداخته ام البته اثبات برعهده آنکسی است که میگوید من پرداخته ام اما با چه دلیلی اثبات کنند شرح ادله در مواد بعد است و اما راجع به قسم آنهم طریق اثبات هست آقا. يك کسی دعوی خودش را محول میکند بنظر و میل مدعی علیه میگوید قسم بخور و نده او غیر از این است یعنی اگر نخورد باید بدهد پس این هم از طرق اثبات است اینجا نظر نداریم که طریق اثبات چیست مقصود این است که اثبات برعهده اوست طریق اثبات را هم ترتیبی را در مواد بعد معین میکنند.

رئیس - آقای دکتر جوان.
دکتر جوان - در این ماده اگر چه بنده در نظر اولیه مقوم که پیشنهاد کرده ام مطابق ماده ۶۳ قانون تعریف محاکمات اصلاح شود باقی مصمم ولی چون اخیراً اصلاحی شده در این قسمت اصلاح این ماده هم بنده عقیده دارم که اگر توجه بیک نکته بشود و اصلاح خود خبیل خوب است در اینجا هر چه است قسمت اول که هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند جمله مدعی میگوید هر گاه مدعی علیه در مقام دفاع مدعی امری

شود اینجا بعقیده بنده مدعی علیه است پس در اینجا دو چیز در نظر گرفته شده یکی اثباتات حق است دوم اثبات امر است اینجا مثل این است که مدعی در نظر بوده که مدعی اگر ادعای حقی کند باید اثبات کند و اگر مدعی علیه ادعای امری کند باید اثبات کند در صورتی که در محاکمات همیشه می بینیم که مدعی هم ادعای امری را میکند یعنی در دفعه اول مدعی اثبات حقی را بموجب دلایلی کرده است مدعی علیه مدافعانی میکند و امری را مدعی میشود و البته آنرا ثابت میکند در اینصورت مدعی باز هم مدعی امری میشود ولو اینکه در مقام دفاع از اظهارات مدعی علیه باشد اینجا اختصاص دادن اثبات امری برعهده مدعی علیه است گاهی خود مدعی هم بدون اینکه دعوی منقلب بشود سمت مدعی علیه را پیدا میکند و خودش مدعی امری میشود که اثباتش برعهده اوست از اینجهت بنده بنظرم اینطور رسید که آقای وزیر عدلیه اگر موافقت فرمایند بجای اینکه بنویسیم هرگاه مدعی علیه در مقام دفاع مدعی امری بشود بطور کلی بنویسیم اثبات امری که محتاج بدلیل باشد بعهده مدعی آن است خواه این امر را مدعی بیان کند یا مدعی علیه. چون اینجا اثبات امر را بعهده مدعی علیه گذاشته است و اگر نوشته بود اثبات دعوی که محتاج بدلیل باشد بعهده مدعی آن است اعم از آن است که مدعی این امر را پیشنهاد کند و دفاع کند یا مدعی علیه

وزیر عدلیه - در کمیسیون خیلی مذاکره شد در اصلاح این عبارت و بالاخره این تصمیم تصویب شد بنده خیلی زیاد توضیح میدهم خود ایشان هم در کمیسیون بودند یعنی اجمالاً اینست که مدعی نمیتواند هر چیزی را مدعی بشود و ادعا کند هر امری را چون امر از مفاهیم عامه است اگر بگوید من اثبات میکنم که فلان زیاده است خوب همه بار چه تا يك حقی از برای عرضی تصور نکنند مدعی بگوید مدعی آن بهود مدعی باید يك حقی برای او باشد ولی منحنی طریقه برای دفاع از حق مدعی همه

می خواهد دفاع کنند این جا اثبات حقی برای خودش نمی کنند اثبات امری را می کنند که دفع و رد کنند دعوی مدعی را از اینجهت مناسب بود که تعبیر بامر بشود یعنی اگر مدعی عدلیه مدعی بشود يك امری که بآن وسیله دعوی مدعی رفع میشود آن را باید اثبات کند مقصود این است در هر حال در حکم که اختلافی نیست چون حکم این است که مدعی برای خودش اثبات حق باید بکند اختلاف سر تعبیر است که آیا این تعبیر امر خوب است یا نیست بعقیده بنده خوب است بجهت اینکه دفاع همیشه اینطور نیست که بخواهد برای خودش اثبات کند. بلی اگر بگوید پرداخته ام میتوان گفت يك حقی است باز هم مطلبی است نمیتوانیم بگوئیم حقی است چون دفاع از دعوی مدعی است که او اظهار حق کرده این است که بعد از مذاکرات در کمیسیون جامع تر بنظر همین رسید که نوشته شده

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۷ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.
[۷ - تقدیم لایحه فوری اجازه ضرب ده میلیون ریال مسكوك مسی پنجاه دیناری]

رئیس - آقای وزیر مالیه لایحه فوری دارید بفرمائید **وزیر مالیه (آقای داور) -** بطوریکه خاطر اغلب آقایان هم مسبوق است در اغلب نقاط و هر چه بطرف سرحدات بیشتر میرویم محسوس است که احتیاج مردم به پول خرد زیاد تر میشود. يك مقداری پول خرد بود که تاحال سکه شده است ولی آنها هم کافی نیست و معاملات مردم در زحمت بود باین مناسبت يك لایحه است باقی در فوریت تقدیم میشود و چون مطلب هم سابقه دارد از طرفی هم يك پیچیدگی های زیادی درش نیست که محتاج مطالعه مفصل باشد باقی در فوریت که ده میلیون ریال مسكوك مسی پنجاه دیناری باصطلاح سابق ده شاهی ما بجزبان بیندازیم برای احتیاج

روزانه اینجا در این لایحه يك مطلبی که بین خودمان محرز بود و در دفعه پیش هم گفته بودیم که در مقابل این ذخیره طلا و نقره باید گذاشته شود و ما اینجا این دفعه در خود قانون هم نوشتیم که باید در مقابل این مبلغ که بجزبان می افتد باید ذخیره داشته باشیم.

رئیس - قرائت میشود:
لایحه دولت

مجلس شورای ملی: چون مقدار پول خردی که بموجب قانون بجزبان افتاده رفع احتیاج نمیکند و لازم است بفوریت مقدار کافی مسكوك مسی بجزبان گذارده شود. ماده واحده ذیل باقی در فوریت تقدیم و تصویب آن تمفی میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد معادل مبلغ ده میلیون ریال مسكوك مسی بقطعات پنجاه دیناری (ده شاهی) ضرب نماید. قطعات مزبور دارای اعتبار قانونی بقیمت اسمی بوده و معادل آن ذخیره طلا و نقره در خزانه بانک نگاهداشته خواهد شد. مخارج ضرب سکه های مزبوره از محل اعتبارضرابخانه تادیه خواهد شد. بانک ملی ایران مکلف است سکه های فوق را در حدود احتیاج بجزبان بگذارد.

رئیس - فوریت مطرح است. آقایانیکه با فوریت اول موافقت قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقایانیکه باماده واحده موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد (آخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۱۱۱ ورقه سفید شماره شد)

رئیس - عده حاضر در موقع رأی ۱۲۶ نفر باکثرت
۱۲۱ رأی تصویب شد

[۸ - بقیه شور لایحه راجع باده اثبات دعوی]

رئیس - ماده ۱۲۵۸

ماده ۱۲۵۸ - دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است :

۱ - اقرار

۲ - اسناد کتبی

۳ - شهادت

۴ - امارات

۵ - قسم

رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس تصویب شده ماده ۱۲۵۹

کتاب اول - در اقرار

باب اول - در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹ - اقرار عبارت از اخبار بحقی است برای
غیر بر ضرر خود

رئیس - آقایانی که با این ماده موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۲۶۰

ماده ۱۲۶۰ - اقرار واقع میشود بهر لفظی که دلالت

بر آن نماید

رئیس - آقای دیبا

دیبا - اینجا مفهوم ماده این است که اقرار باید با لفظ

باشد ولی در ماده ۱۲۸۰ تصریح کرده است که اقرار کتبی
در حکم اقرار شفاهی است این دو ماده ممکن است با هم
تناقض داشته باشد این است که بنده عقیده ام این است که
اگر اقرار لفظاً یا کتباً مطابق با ماده که بعد می آید باشد بهتر
است و الا ظاهر این ماده این است که اقرار حکماً باید
لفظی باشد

وزیر عدلیه - اول این عبارت همچو ابهامی ندارد مقصود
این است که به هر تقریری که باشد استفاده معنی اقرار از او
بشود کافی است . يك لفظ صریح مخصوصی ندارد مراد این
ماده است اگر چنانچه همچو تو همی هم بشود که فرمودید آن
ماده ۱۲۸۰ رفع خواهد کرد

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۶۰ قیام فرمایند (اکثر

قیام نمودند) تصویب شد ماده هزار و دوست و شصت و يك

ماده ۱۲۶۱ - اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از

اقرار باشد صحیح است

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

تصویب شد . ماده هزار و دوست و شصت و دو

ماده ۱۲۶۲ - اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و

مختار باشد بنا بر این اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی

و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

تصویب شد . ماده هزار و دوست و شصت و سه

ماده ۱۲۶۳ - اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

تصویب شد . ماده هزار و دوست و شصت و چهار

ماده ۱۲۶۴ - اقرار مفلس و ورشکسته نسبت باموال

خود بر ضرر دیان ماخذ نیست

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام

نمودند) تصویب شد . ماده هزار و دوست و شصت و پنج

ماده ۱۲۶۵ - اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در

امور راجعه باموال خود بملاحظه حفظ حقوق دیگران

منشأ اثر نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد

رئیس - آقای نقابت

نقابت - چون قانون اعسار و افلاس اصلاح شد و کلمه

افلاس از آنجا برداشته شد و دیگر کسی بعنوان افلاس

عرضحال نخواهد داد اگر این لفظ افلاس را از اینجا

برداریم و اعسار بگذاریم تناسبش با قانون گذشته بهتر

خواهد بود

وزیر عدلیه - در این مقام افلاس و اعسار دارای يك

معنی است فرقی نمیکند در سابق هم فرق گذاشته شده بود

مابین اعسار و افلاس بموجب يك قانون و دو حکم برای

آنها معین شده بود مدعی اعسار يك ترتیب میبایست اثبات

کند و مدعی افلاس بيك ترتیب و هر کدام يك نوع آثار

داشت افلاس هم آثار دیگری داشت و در هر حقیقت آن

قانون مربوط باصول محاکمات بود ولی بعد از آنکه چندی

قبل تغییر داده شد و آن قسمتی که راجع بود بدعوی افلاس

معلوم شد که يك نتیجه خوبی و مطلوبی نداده است از این

جهت تغییر کرد و همان عنوان اعسار گذاشته شد و دیگر

فرقی نیست مابین این دو عبارت و اینجا هم فرقی نمی کند

چه اعسار بگوئیم و چه افلاس و شاید اینجا ظهورش قدری

بیشتر باشد در فهم معنی از این جهت افلاس گذاشته شد و

تفاوتی ندارد

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۶۵ قیام فرمایند (اغلب

خواهد بود

قیام نمودند) تصویب شد ماده هزار و دوست و شصت و شش

ماده ۱۲۶۶ - در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب

قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - اینجا بنده عقیده ام اینست که يك

توضیحی آقای وزیر عدلیه فرمایند که اسباب اشتباه نشود

اینکه مینویسد در مقرله اهلیت شرط نیست مقصود چیست

چه اهلیتی مقصود است زیرا اگر این ماده تصویب شود ممکن

است در عمل اسباب زحمت قضاة شود بنا بر این خوبست

يك توضیحی داده شود که مراد از اهلیت چیست

وزیر عدلیه - در قسمت اول همین قانون مدنی راجع

باحوالات شخصی آقایان در نظر دارند آنجا يك اهلیتی است

برای تمتع از حقوق در ماده اول آن قانون گفته شد هر

کس زنده متولد شد میتواند از حقوق خودش بهره مند

بشود آن يك معنی برای اهلیت است ولی معنای اظهارش

که بیشتر مقصود است راجع است باستیفاء حق . استیفاء

حق شرط آن بلوغ است ، رشد است عقل است و جهات

دیگر وعدم حجر است که در آنجاها متمتع است بخودی

خود ولی خودش نمیتواند در مقام استیفاء و مطالبه

حق بر آید اینجا مراد آن اهلیت است یعنی لازم نیست

مقرله رشید باشد ، سفیه باشد ، مجنون باشد ، هر چه می

خواهد باشد همینقدر که بتواند متملك بشود یعنی برای

يك جنبی يك فردی اقرار میکند منوط باین است که آن

جنبین زنده متولد شود اگر نشود او نمی تواند متمتع از

حقوق بشود و نمیتواند مالك شود از این جهت خارج است

و همچنین نسبت بآن مقربه که مقربه هم باید يك چیزی باشد

که قابل تملك باشد

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۶۶ قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۱۲۶۷

ماده ۱۲۶۷ - اقرار برفع متوفی در باره ورثه او مؤثر

خواهد بود

اسامی رای دهندگان - آقایان : نازی - لبقوانی - صادقی - تقی شیرازی - ملصف - مؤید ثابتی - مصباح فاطمی -
سهری - پاپیری - تربیت - معتضدی - کاشف - اسدی - نقابت - مؤید احمدی - خواجوی - جلائی - نیرومند - مؤید قوامی
حاج ملک - کفالی - صفاری - رهبری - مرآت - گودرزی - ایزدی - انوشیروانی - شجاع - مجید ضیائی - دکتر سیمی
متمم سنک - خواجه نوری - کیخسرو شاهرخ - اعتبار - دکتر سنک - نیک پور - کاظم یردی - دکتر ملک زاده - طوی -
کازرونیان - محمد رضا بهبهانی - اعظم زنگنه - نراقی - دکتر غنی - علوی سبزواری - حبیبی - هدایت - دادور - سعیدی خراسانی
چالشی خان - آزادی - صفوی - اعتماد زاده - نائینی - ملک مدنی - هزار جریبی - کمالی - احتشام زاده - فرشی - دکتر ادم
دکتر طاهری - طهرانچی - مرتضی امین - عیبه الاسلامی - زوار - افشار - محسن مهدوی - دکتر فرز ایلی - ابراهیمی ریگی -
اردبیلی - مغیر فرمند - رفیعی - طباطبائی دیبا - نواب یردی - محیط - امیر ابراهیمی - جرجانی - دکتر احتشام - دبستانی -
رضوی - بیات - سلطانی شیخ الاسلامی - دکتر لقمان نهورای - نویخت - حسین فاطمی - اسکندری - فتوحی - دکتر ضیاء -
لازرجانی - دربانی - روحی - ابراهیم سیمی - دبیر سهرابی - سعیدی - اهری - ساگیلیان - مقدم - مشیری - دکتر جوان
پارسا - بیات ماکو - دولتخانی - چشپدی - ملک زاده آملی - بنامی - حمزه تاش - صدیق - فروزی - ملایری - مزدهی -
هلی و کبلی

رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمایند (اکثر)
 برخاستند (تصویب شد. ماده ۱۲۶۸)
 ماده ۱۲۶۸ - اقرار معلق مؤثر نیست.
 رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۶۹
 ماده ۱۲۶۹ - اقرار با امری که عقلاً با عاده ممکن نباشد و با بر حسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.
 رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۰
 ماده ۱۲۷۰ - اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.
 رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۱
 ماده ۱۲۷۱ - مقرله اگر بکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است.
 رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۲
 ماده ۱۲۷۲ - در صحت اقرار تصدیق مقرله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت.
 رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۳
 ماده ۱۲۷۳ - اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صبغری که اقرار بفرزندی او شده بشرط آنکه منازعی درین باشد.
 رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۴
 ماده ۱۲۷۴ - اختلاف مقر و مقرله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۵
 باب دوم
 در آثار اقرار
 ماده ۱۲۷۵ - هر کسی اقرار بحقی برای غیر کند ملزم با اقرار خود خواهد بود.
 رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۶
 ماده ۱۲۷۶ - اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.
 رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۷
 ماده ۱۲۷۷ - انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بود شنیده میشود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار بکرتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر با اقرار نیست.
 رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۸
 ماده ۱۲۷۸ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.
 رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۹
 ماده ۱۲۷۹ - اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه رادر صورتی میتوان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.
 رئیس - آقای نقابت

نقابت - عرض کنم در دعاری حقوقی تأثیراتی که شهادت در اثبات داشته باشد محدود شد بمبلغ معین که بطور کلی تا يك حدی را بشود با شهادت اثبات کرد زیرا باندازه لازم تشکیلات ثبت اسناد در مملکت زیاد شده و اشخاص میتوانند استفاده کنند و اسنادی در مقابل تمهیدات خودشان بدهند و بگیرند ولی بعضی مواد در این جا هست من جمله همین ماده ۱۲۷۹ که يك نظری را که قبلاً اتخاذ شده و مردم بآن عادت کرده و مأنوس شده اند بر هم میزند و متزلزل میکند حقیقتاً مردم يك مقداری عادت کرده اند که تا يك حدی بشهادت ختم شود. ولی با جمله اخیر این ماده از آنجائی که میگوید «و با ادله و قرائنی بر وقوع اقرار باشد» میتوان چند شاهد ضمیمه آن نمود و يك دعوائی را اثبات کرد تا هر مقدار که باشد بوسیله شهادت اثبات کرد اما اگر این جمله نباشد کاملاً مطابق همان نظری است که بوده و قبلاً اتخاذ شده است زیرا وقتی که اصل دعوی از آن دعاوی باشد که با شهادت قابل اثبات باشد میشود شهادی بر وقوع اقرار آورد و ثابت کرد والا نمیشود. از این جهت بنده معتقدم که جمله اخیر این ماده «و با ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد» اگر موافقت بفرمائید حذف شود بهتر است.
وزیر عدلیه - چون آقای نقابت در مقدمه بیان خودشان اظهار داشتند بوسیله توسعه دفاتر ثبت جلوگیری میشود از اینکه دیگر دعاوی محتاج بشهادت و امثال این ادله باشد این صحیح است ولی این فقط در قسمت عقود و ایقاعات است که محتاج به دفاتر ثبتی است و البته وزارت عدلیه هم در صدد توسعه دفاتر ثبت هست و باید هم باشد ولی مملکت در يك جا با در يك دهات کوچک که دسترسی بدفاتر ندارند مابین اشخاص که اعتماد بهم دارند يك کار هائی میشود چون این يك امر الزامی نیست فقط راجع بآثار آن قانون الزام کرده است که اگر يك معامله یا هرچائی که دفتر ثبت است ثبت نکنند آن رسمیت ندارد یعنی محاکم قبول نمیکند ولی مردم که اجبار ندارند که بگوئیم عقد واقع نمیشود خیر عقد واقع میشود منتهی اثرش این است که محاکم ترتیب اثر نمیدهند اگر مردم بهم اعتماد داشته باشند خیلی از امور خانوادگی هست که مردم بین خودشان اعتماد دارند و در موقع اعتماد يك کارهائی می کنند بعد سلب اعتماد میشود و اختلاف میشود بقره تقدیر قانون برای این است که در يك مواردی در بکلی بسته نباشد. نه اینکه حتماً بان عمل شود یا فرضاً بواسطه بودن این جمله تمام دعاوی بدون هیچ سند رسمی در محاکم جریان پیدا کند و مثل حالت سابق بر گردد. این طور نیست برای اینکه مردم خودشان اثر سند رسمی را دانسته اند یکی از آثارش این است که لازم الاجرا است بدون مراجعه به محاکم اجرا میشود و در این قسمت رفع خیلی زحمت از مردم شده است که روند در محکمه و مدنی محاکمه کنند در ابتدائی واستیناف و تمیز مشغول شوند هیچ اینها را ندارد ولی اگر چنانچه اتفاق افتاد در دعوائی که قابل جریان و طرح در محاکم شد آنگاه اگر کسی مدعی شود که طرف من اقرار کرده و اقرار هم یکی از ادله اثبات دعوی است که در این جا هم گفته شد و همه وقت هم همینطور بوده و طبیعی هم هست اقرار بهترین دلیل اثبات دعوی است اگر کسی مدعی شد که طرف من در خارج محکمه اقرار کرد و يك قرائن قوی هم موجود است فرض بفرمائید يك دعوائی در محاکم مطرح است و طرفین تقاضا کرده اند که تجدید وقت شود برای اینکه در خارج خیال اصلاح دارند بروند اصلاح کنند خیلی اینطور هم اتفاق افتاده که میروند در خارج اصلاح میکنند فرض بفرمائید در خارج رفتند و يك مجمعی شد و مردمان وجیه و موثقی هم در آن جلسه حضور داشتند طرف در آنجا اقرار کرد نه در مقام تقاضای صلح اشتباه نشود تقاضای صلح اقرار نیست این را بنده میدانم ولی اگر رسماً اقرار صریح کرد نسبت به جزء یا کل آن دعوی در حضور جمع و آن طرفی خواست استنشاء کند از حضار که طرفین پیش شما جزء یا کلاً باین مقدار اقرار کرد و دعوی هم در

محکمه مطرح است با آن سوابقی که عرض کردم با اجازه محکمه اینها در خارج برای صلح رفته اند حالا با يك همچو قرائتی که واقعا مفید و قطعی باشد آن اشخاصی که در آنجا حضور داشته اند شهادت بدهند با تأیید این قرائن چه اشکالی دارد؟ مقصود این است که راه بسته نباشد والا در همه جا که این مواد اعمال نمیشود تا کار را از ترتیب بیاندازد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۷۹ قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۸۰

ماده ۱۲۸۰ - اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است. رئیس - موافقین با ماده ۱۲۸۰ قیام فرمایند. (اکثر

قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۸۱. ماده ۱۲۸۱ - قید دین در دفتر تجار بمنزله اقرار کتبی است.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۸۱ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۸۲

ماده ۱۲۸۲ - اگر موضوع اقرار در محکمه مقید بقید باوصفی باشد مقرر له نمیتواند آنرا تجزیه کرده از قسمتی از آنکه به نفع او است بز ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگران صرف نظر کند.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۲۸۲ موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام کردند) تصویب شد ماده ۱۲۸۳

ماده ۱۲۸۳ - اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشد مثل این که مدعی علیه اقرار باخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۸۳ قیام فرمایند. (جمعی قیام نمودند) تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است (مخالفتی نیست) رای به مجموع مواد ۲۷ گانه گرفته میشود. آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۹ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]
وزیر عدلیه - نظر باینکه وعده کرده بودم و میبایستی هم قوانین جاری در مقام ثبات و استقرار قرار گیرد و مخلفاتش هم جمع شود اصلاحاتی که در نتیجه تجربه و آزمایش حاصل شده است آنها را هم رعایت و ملاحظه کنیم و به مجلس برای تصویب تقدیم کنیم از این جهت قانون اصول محاکمات از چندین بابین طرف تحت نظر درآمده و مقدار زیادی موادش تهیه شده برای طبع ولی نظر باینکه این قانون همان طور که بنده عرض کرده ام مجلس هم همان طور که انتظار داشت این قانون باید در مجلس شور بشود اگر کلیه مواد دفعه به مجلس تقدیم شود و به کمیسیون ارجاع شود خیلی طول خواهد کشید بنده بهتر دانستم که قسمت قسمت کنم و قسمت قسمت هم تقدیم کنم برای اینکه شورش هم در کمیسیون سهل تر باشد و هم در مجلس. البته ارتباط مواد هم محفوظ است مخصوصاً قانون اصول محاکمات که آقایان وکلای عدلیه که اینجا تشریف دارند بخوبی مستحضرنند و ارتباطاتشان هم محفوظ است. از این جهت قسمت هائی که تقریباً جنبه استقلالی دارد بنده تقدیم میکنم. اینك يك قسمت از آن که مشتمل بر ۴۹ ماده است تقدیم میشود (صحیح است).

رئیس - به کمیسیون ارجاع میشود.

[۹ - تصویب چهار فقره مرخصی]

رئیس - چند فقره خبر کمیسیون مرخصی است با اطلاع آقایان خواهد رسید.

۱ - خبر راجع به مرخصی آقای مسعودی نماینده طهران بشرح ذیل قرائت شد.

آقای مسعودی نماینده طهران برای شرکت در نمایشگاه بین المللی صنایع ایران و لزوم مسافرت به لندن کرا د تقاضای یکماه مرخصی از تاریخ هشتم شهریورماه ۱۳۱۴ نموده اند کمیسیون عریض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینك خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مسعودی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. خبر مرخصی دیگر.

۱۳۱۴ لغایت جلسه دوم شهریور غائب بوده و از شرکت در جلسات مجلس معذور بوده اند و تقاضای اجازه کرده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافقت نموده اینك خبر آنرا برای تصویب بمجلس تقدیم مینماید.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده البته موافق هستم ولی تذکری را خواستم به آقایان اعضاء محترم کمیسیون عرض کنم تصدیق دکتر برای قانع شدن کمیسیون کافی است دیگر ذکرش در خبر بطریق دیگر لزومی ندارد زیرا وقتی که کمیسیون قانع شد ذکر جهت در خبر موردی ندارد.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مؤید قوامی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۱۰ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده فردا دوشنبه ۱۴ مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور انتخاب هیئت رئیسه [جلسه مقارن ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

تصویب رأی حکمیت دولت ترکیه راجع بتجدید حدود ایران و افغانستان

ماده واحده - مجلس شورای ملی رأی حکمیت دولت ترکیه را راجع بتجدید حدود ایران و افغانستان که مشتمل بر هفت فصل میباشد و در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ مطابق بازدهم مه ۱۹۳۵ میلادی صادر شده و ضمیمه این ماده واحده میباشد تصویب و بدولت اجازه اجرای آنرا میدهد
این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن رای حکمیت و ضماّم آن است در جلسه سیزدهم مهر ماه یکپزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

متن رأی حکمیت دولت ترکیه راجع بتجدید حدود ایران و افغانستان و ضماّم آن

اعلیحضرت شاهنشاه ایران
اعلیحضرت پادشاه افغانستان

نظر بیل صمیمی که متقابلا برای رفع اختلاف نسبت به بوسی آباد و تعیین خط سرحدی در قسمتهای تجدید نشده بین مملکتین ایران و افغانستان دارند و مایلند که بدینوسیله حسن موافقت و روابط برادرانه و دوستانه بین را تحکیم نمایند برای اجرای این مقصود اختیارداران خود را بترتیب ذیل معین نمودند.

اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب میرزا محمدتقی خان اسفندیاری سفیرکبیر
اعلیحضرت پادشاه افغانستان جناب فیض محمدخان وزیر امور خارجه

اختیار داران سرور پس از مباداه اعتبار نامه های خود که آنها را صحیح و معتبر یافته در مواد ذیل موافقت حاصل نمودند.

ماده اول - برای رفع اختلاف بین دولتین راجع بوسی آباد و همچنین تعیین خط سرحدی در قسمتی از حدود طرفین که تا حال تجدید حدود و نصب علائم نگردیده دولتین حکمیت دولت جمهوری ترکیه را قبول و موافقت نمودند که بعد از امضای این قرارداد بلافاصله از دولت مشارالها تقاضا نمایند که اقدام بحکمیت نمایند حکم یا حکمهاییکه دولت ترکیه معین مینماید پس از اجرای تحقیقات لازمه بهرطوری که حکمیت نمایند طرفین حکم حکمیت را قطعی دانسته عملی نمایند

ماده دوم - دولتین متقبل شدند هر موقعی که دولت جمهوری ترکیه بطرفین تشکیل کمیسیون حکمیت را اعلام نمود در ظرف مدتی که دولت مشارالها مقرر دارد نمایندگان خود را برای همکاری با حکم یا حکمهای دولت ترکیه تعیین و اعزام دارند و تخلف و تاخیر را جایز نشمارند و هرگاه یکی از طرفین در موقع معین از تعیین و اعزام نمایند خود خودداری کند و یا اینکه نمایندگی که تعیین شده در اقدام بوظیفه خود تامل و مسامحه نماید سایر نمایندگان ذیحق باشند که بوظیفه خود قیام نمایند و هر حکم و رأیی که نمایند دولت ترکیه در رفع اختلاف نسبت بوسی آباد و تعیین خط سرحد در قسمت های تجدید نشده مذکور در ماده اول بدهد طرفین مورد قبول قرار داده از آن تخلف و تجاوز ننمایند و بر طبق آن سرحد دولتین را تشخیص و نصب علائم کنند.

ماده سوم - دولتین تمهد نمودند که مخارج نمایندگی یا نمایندگان دولت ترکیه و سایر مخارجیکه برای تجدید حدود از قبیل نصب علائم در قسمتهای تجدید نشده و سرمت علائم موجوده در قسمتی که در سال ۱۸۹۱ میلادی توسط ژنرال مالکین تجدید شده و غیره تعلق بگیرد. باالسویه پرداخت نمایند

ماده چهارم - این مقاله نامه بزبان فارسی در دو نسخه تحریر شد و اختیار داران طرفین که باین امر کاملا معجاز میباشدند این مقاله نامه را امضاء و بهر خود مختوم نمودند
در کابل بتاريخ ۱۶ اسفندماه ۱۳۱۲ شمسی مطابق ۱۷ حوت ۱۳۱۲ سفیرکبیر شاهنشاهی محمد تقی اسفندیاری - فیض محمد وزیر امور خارجه

سواد مراسله وزارت خارجه افغانستان

مورخه ۱۷ حوت ۱۳۱۲

نبره ۵۲۱۸

آقای سفیر کبیر

تواتر در تعقیب مذاکرات شفاهی خاطر شریف را قرین استحضار میدارد دولت پادشاهی ملبوع دوستدار موافقت نمودند که هیئت های امرای طرفین پس از رفع اختلاف نسبت بوسی آباد فوراً نقشه تجدید حدود ژنرال مالکین را در قسمت های

مشتادان با وضعیت حدود تطبیق و بنصب و مرمت علائم اقدام نموده و نقاطی را که هر يك از طرفین بر خلاف تحدید حدود
ژنرال ماكلین تطبیق و اشغال نموده باشند تخلیه و بطرف مقابل تحویل دهند و اگر فرضاً بین نایندگان طرفین در تطبیق
نقشه با وضعیت زمین موافقت حاصل نشد حکم و یا حکم های دولت جمهوری ترکیه رفع اختلاف نمایند موقع را منتقم شمرده
احترامات فائده را تجدید مینماید .

عالیقدر جلالتآب آقای محمد تقیخان اسفندیاری سفیر کبیر دولت علیه ایران بدربار کابل

سواد مراسله که بوزیر امور خارجه دولت افغانستان نوشته شده است .
مورخه ۱۶ اسفند ۱۳۱۲
نمره ۲۴۴۸

آقای وزیر

احتراماً در جواب مراسله جناب مستطاب عالی مورخه ۱۷ حوت ۱۳۱۲ نمره ۵۲۱۸ مشعر بر اینکه هیئت های اعزامی
طرفین پس از رفع اختلاف نسبت به موسی آباد فوراً نقشه تحدید حدود ژنرال ماكلین را در قسمت های دیگر مشتادان با وضعیت
حدود تطبیق و بنصب و مرمت علائم اقدام نموده و نقاطی را که هر يك از طرفین برخلاف تحدید حدود ژنرال ماكلین تطبیق
و اشغال نموده باشند تخلیه و بطرف مقابل تحویل دهند و اگر فرضاً بین نایندگان طرفین در تطبیق نقشه با وضعیت زمین
موافقت حاصل نشد حکم یا حکم های دولت جمهوری ترکیه رفع اختلاف نمایند زحمت افزا میشود که دولت متبوعه دوستدار بهینطور
که فوقاً نوشته شد موافقت دارند

جناب مستطاب آقای فیض محمد خان وزیر امور خارجه دولت علیه افغانستان

سواد مراسله وزارت خارجه افغانستان
مورخه ۱۷ حوت ۱۳۱۲
نمره ۵۲۱۹

آقای سفیر کبیر

احتراماً در تکمیل و تنمیه قرارداد تعیین خط سرحدی بین دولتین ایران و افغانستان و در تعقیب مراسله نمره ۵۲۱۸
مورخه ۱۷ حوت ۱۳۱۲ زحمت افزا میشود دولت پادشاهی متبوع دوستدار تصمیم گرفته اند که هیئت اعزامی طرفین در محبت
حکم و یا حکم هائیکه دولت جمهوری ترکیه تعیین مینماید در تاریخ اول برج میزان ۱۳۱۳ در حدود مشتادان حاضر شده و
بر طبق مدلول ماده اول قرارداد و مراسله نمره ۵۲۱۸ بدو ارفع اختلاف در قسمت موسی آباد و بعد از آن بتطبیق نقشه
ماكلین در قسمت های مشتادان با وضعیت حدود و نصب و مرمت علائم اقدام و بتجدید حدود قسمت های تحدید نشده اقدام
نمایند علیهذا ملتمس است نظریات دولت شاهنشاهی ایران را معلوم فرمائید تا در صورت موافقت بهین ترتیب عمل بشود موقع
را منتقم شمرده احترامات فائده را تجدید مینماید .

فیض محمد - وزیر امور خارجه

عالیقدر جلالتآب آقای محمد تقی خان اسفندیاری سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران مقیم در کابل

سواد مراسله بوزیر امور خارجه افغانستان
مورخه ۱۶ اسفند ۱۳۱۲
نمره ۲۴۴۹

آقای وزیر

با کمال احترام در جواب مراسله نمره ۵۲۱۸ مورخه ۱۷ حوت ۱۳۱۲ راجع به تصمیم دولت پادشاهی افغانستان در
حضور هیئت های اعزامی در محبت حکم یا حکم های دولت جمهوری ترکیه در تاریخ اول مهر ماه ۱۳۱۳ در حدود مشتادان
برای اجرای مدلول ماده اول قرارداد تعیین خط سرحدی زحمت افزا میشود که دولت شاهنشاهی متبوع دوستدار با این تصمیم
دولت پادشاهی افغانستان کاملاً موافق و حتی عقیده دارند که میبایست مراقبت های تامه بعمل آید که هیئت های اعزامی در موعود
مقرر در حدود مشتادان حاضر شوند که در اسرع اوقات شروع با اجرای مواد قرارداد بنمایند موقع را غنیمت شمرده احترامات
فائده را تجدید مینماید .

محل امضاء - محمد تقی اسفندیاری

۲ - اطلاعات عمومی راجع بسرحد

ضمیمه - نقشه نمره ۱

۱ - سرحد بین ایران و افغانستان از ۳۷ و ۳۵ تا ۲۹۵۰ درجه از شمال بجنوب تقریباً بطول ۸۱۵ کیلومتر
امتداد یافته است - يك قسمت از آن که تقریباً ۱۶۵ کیلو متر است در شمال چهل و پنج سال قبل از طرف ژنرال انگلیسی
موسوم به ماكلین و بعد يك قسمت دیگر آن که بیش از ۲۷۵ کیلومتر در انتهای جنوبی طرف سیستان واقع است بتوسط کلنل
ماکاهون انگلیسی تحدید گردید .
سرحدی که از طرف ماكلین تحدید گردیده بعلامت نمره ۲۹ واقع در درجه ۳۴۲۰ و سرحدی که بتوسط کلنل ماکاهون
در سیاه کوه واقع در درجه ۳۱۳۰ تحدید گردیده عمل میشود .
قسمتی که تقریباً ۳۷۵ کیلومتر میشود و در بین این دو منطقه واقع است تحدید نگردیده و راجع به تعیین و تحدید
قسمت مزبور میباشد که بنا مأموریت داده شده است .

۲ - وضعیت جغرافیائی منطقه سرحدی از شمال بجنوب بقرار ذیل است .

سرحد مشترک بین روسیه شوروی و ایران از ذوالفقار شروع گردیده و از دشت اسلام قلعه و مشتادان عبور کرده
و در طرف جنوب دره هریرود را تعقیب مینماید دشت اسلام قلعه بوسیله هریرود و دشت مشتادان بوسیله چندین رشته قنات که ساختمان
آنها قدیمی بوده و بواسطه چاهها آب بآنها میرسد مشروب میشوند منطقه مزبوره دارای قراء و اراضی مزروعه بوده و عده عشایر
چادر نشین در آنجا خیلی زیاد نیست بعد یک رشته کوه های کوچکی از مشرق به مغرب امتداد پیدا کرده و در میان آنها درهها
و مناطق غیر مسکونه وجود دارد .

بین قراء ایرانی و قراء افغانی يك منطقه لم یزرع که مساحت آن قریب یکصد کیلومتر میشود در طرف جنوب واقع است در آنجا دریاچه
شور موسوم به نکسار که در جنوب آن يك جلگه وسیع و دریاچه موسوم به دغ بترکان واقع بوده و در دنباله آن يك جلگه دیگر به نامورگم
ارتفاعی وجود دارد

از این دشت آخرین حلسله کوهها دارای پست و بلندی که جزو کوههای هندوکش میباشد نمایان بوده و بطرف جنوب
غربی امتداد پیدا میکند محل مزبور يك فرورفتگی بین سلسله طولی کوههای انتهایی قریب ایران و کوههای افغانستان تشکیل می دهد -
اختلاف بزرگ موجوده بین وضعیت اختصاصی و کوههای هر يك از دو طرف کاملاً در جلگه آشکار است بعددشت لم یزرع
که ایرانی ها دشت نا امید و افغان ها دغ نمدی مینامند در طرف جنوب در يك مساحت بیش از هشتاد کیلومتر امتداد یافته و در انتهای
جنوبی آن محل يك دریاچه موسوم به دغ تندى وجود داشته و در بهار آبهای که از کوههای همجوار جاری میشود در محل مزبور
جمع می گردد دریاچه مزبور در فصل تابستان خشک میشود و بعد اراضی مختصر ارتفاعی پیدا کرده و کوههای پست و بلندی که از هم
دور هستند مشاهده میشوند دره ها بطرف جنوب امتداد پیدا کرده و بدریاچه هامون که در مشرق بوسیله دشت لم یزرع و در مغرب
بوسیله کوههای مرتفع احاطه شده است منتهی میگردد .

در قسمت های مسطح این منطقه وسیع ارتفاع متوسط زمین از دریا ۷۰۰ متر بوده در صورتیکه ارتفاع پاره از کوهها از ۱۵۰۰
متر متجاوز میباشد .

۳ - جز سه مزرعه که در یزدان موجود است در این منطقه وسیع هیچ محل مسکون و مزروعی مشاهده نمیشود ولی
چند چاه و چشمه آب شیرین و شور با عمق های مختلفه در آنجا موجود میباشد .

این منطقه بواسطه گرمای فوق العاده در تابستان غیر قابل سکونت میباشد عشایری که در فصل تابستان در کوههای واقع
در مشرق منطقه مزبوره زیست مینمایند زمستان را در آنجا بسر میبرند و نظر باینکه يك قسمت مهم سال را در آنجا میگذرانند منطقه
مزبور را مثل منزل خود تصور می کنند عشایر مزبور چادر های خود را در آنجا زده و شتران و ربه های خود را در نزدیکی
چاهها بگیاه میدارند نظر باینکه بهار در آنجا زود شروع می شود عشایر همینکه براه ایشان توانستند این مسافت های طولانی
را سیر نمایند مجدداً بکوهها میروند در زمستان چادر های سیاه در اطراف هر چاهي شکل قریه را بنحوی می گرد در صورتیکه در تابستان
فقط قریه هایی از این قراء مهاجر باقی مانده و در بین آنها مار و عقرب حرکت می کنند .

آب و هوای زیبا که در زمستان در آنجا خیلی زیاد است در تابستان از آنجا خارج میشود ولی منطقه مزبور که صحرا نامیده
می شود در واقع اینطور نیست زیرا گیاه درشتی در آنجا میروید که غذای شترها و گوسفندان عشایر بوده و بگونه درخت های
کوچکی در آنجا بعمل می آید که آنرا ساگاول مینامند و بصرف سوخت میروند .

در پاره ای از زمستان يك باد شمال خیلی شدیدى در آنجا وزیده و از يك هیئت الهی يك ماه لاینتعلیم ادامه پیدا میکند .
در یزدان که در وسط منطقه مزبوره واقع است علائم تمدن قبیله خراسان مشاهده می شود . در عهد قدیم چندین قنات که
به چاه ها اتصال داشته و برای آوردن آب از مشرق بغرب اختصاصی داشتند در آنجا وجود داشته و مناطقی واقع در مشرق
دغ بزرگان مزبور غ بوده اند . فعلاً سه مزرعه موسوم به یزدان و نظریان و کبروه در آنجا وجود دارند و فقط سه رشته از

قنوات قدیمه را دائر کرده اند: مزرعه های مزبور را هرگاه کلیه قنوات تعمیر شود میتوان توسعه داد و در آنجا ایرانی چادر نشین دیده نمیشود زیرا دهقانان ایرانی زارع میباشند.
۴ - تعداد اهالی این منطقه نامعلوم بوده و فقط عشایر مختلفه که اسامی آنها معروف است در آنجا وجود داشته و اهمیت آن هاز تعداد چادر هایشان معلوم میشود.
عمل هائیکه هر یک از عشایر در زمستان اشغال می‌کنند در نقشه نمره ۲ تعیین شده است.

۳ - اجمال تاریخی راجع بمنطقه سرحدی

۱ - ممالک ایران و افغان در ایام قدیم گاهی بطور متحد و گاهی بطور جدا گانه زندگانی کرده و دارای یک زبان رسمی مشترک میباشند.
سرحدات فعلی از انفکاک مناطقی که در تاریخ معزوف بهر اسان در شمال و بلوچ در جنوب بود ایجاد گردیده ایرانی مادعی هستند مناطق سرحدی که هنوز تعدید نشده است جزو متعلقات ایالات شرقی ایران محسوب میشود در صورتیکه افغانها مدعی میباشند که مناطق مزبور جزو ایالت هرات است.
برای اینککه خاتمه باین اختلاف داده شود انگلستان که آن ایام حنی دولت افغانستان بود در تاریخ ۱۸۹۰ ژنرال ماکلین را مأمور تعدید سرحد هشتادان نمود و بطوریکه قبلا گفته شد سرحدی که بوسیله ماکلین تعیین گردیده مملکتین آنرا قبول کرده اند بعلامت سرحدی نمره ۳۹ منتهی میشود.

۲ - افغانها راجع بمنطقه که در جنوب خط ماکلین واقع است ادعا مینمایند که چون سرحدی که از طرف ژنرال ماکلین تعدید گردیده فقط شامل دشت هشتادان بوده و امیر عبدالرحمن خان که آن ایام حکومت می‌کرد رضایت خود را فقط برای این قسمت داده است و حال آنکه تعدید سرحد در طرف جنوب هشتادان تعقیب شده و با این تعدید افغانستان موافقت نموده و باین جهت چشمه غشلوشی و اطراف آن واقعه در مغرب قسمت مزبور فعلا در دست افغانها میباشد.

در مراسله که وزارت امور خارجه انگلیس در تاریخ ۱۹۳۳۷۷ بوزیر ایران نوشته (ضمیمه الف - ۶) اشعار گردیده است که چون نقشه که از طرف ماکلین تهیه گردیده بود پیدا نشده لهذا نقشه را میفرستند که علائم سرحدی را که بعداً گذارده شده است نشان میدهد. در توصیف علامت نمره ۳۹ که در ورقه مشخصات علائم ماکلین داده شده تصریح گردیده است که علامت مزبور در انتهای کوههای گدایانه نصب شده است و از طرف دیگر در اول همان ورقه مشخصات اشعار شده است که کوههای مزبور در جنوب هشتادان را تعدید نموده و پایلین تر سرحد هشتادان در کوه گدایانه شروع میشود ممکن است اختلافی بین نقشه که پیدا نشده و نقشه دوم که در دست است موجود باشد در صورتیکه امیر عبد الرحمن خان خط ماکلین را کاملاً بموجب مراسله خود که ضمیمه باین راپورت است (ضمیمه الف - ۵) قبول کرده است یا وجود این که اسم هشتادان در خانه مراسله مذکور گردیده ولی این تذکار طوری نیست که ثابت بکند که قبولی فقط شامل صحرای هشتادان است ب علاوه هیچ اعتراضی از طرف افغانستان راجع باین نکته بعمل نیامده و بموجب ماده ۳ مقاله نامه که با ایران بسته شده یا قبول علائمی که از طرف ماکلین گذارده شده بود دولت افغانستان علامت نمره ۳۹ را که جزو علائم مذکور است قبول نموده و این موضوع اختلاف را مرتفع میسازد باین جهت علائم نمره ۳۹ را بمثابة انتهای خط ماکلین قبول نموده و چشمه غشلوشی و اطراف آن را متعلق بایران شناختیم
۳ - ادعای ایرانیها راجع بقسمت شمال خط ماکلین

کیسبون تعدید حدود ایران مدعی است که خط ماکلین باید از علامت سرحدی نمره ۱ تا علامت نمره ۳۹ منظور گردد و سرحد در منطقه واقعه در شمال علامت نمره ۱ تعیین نگردیده است و بالتبع کوتاه ترین خطی که از علامت سرحدی نمره ۱ در مسیر هریرود امتداد پیدا میکند باید سرحد را تشکیل داده و در این صورت اسلام قائم بایران تعلق بگیرد صحیح است که مطابق نقشه ماکلین علامت نمره یک در شمالی ترین منطقه سرحد ایران و افغانستان واقع نبوده و این علامت در اطراف اسلام قلعه و نزدیک دربند خرابه واقع بوده و در شمال آن هیچ علامتی موجود نیست ولی مقن یادداشت ژنرال ماکلین متضمن تصریحاتی راجع باین موضوع میباشد. در صحنه دوم یادداشت مراتب ذیل مندرج است:
(... در اراضی کافر قلعه واقعه بین هریرود و کال کله متعلق بافغانستان)
و در خانه همان یادداشت برای تعیین امتداد خط سرحدی مراتب ذیل مندرج است:
(... و بعد خط کال کله تا هریرود امتداد مییابد)

ژنرال ماکلین رود کال کله را مثل سرحد در شمال علامت نمره ۱ - نشان داده و تعلق اراضی کافر قلعه را (اسلام قلعه) بافغانستان اعلام داشته است از طرف دیگر اراضی مزبور از چلبندین سال باین طرف در تصرف افغانها بوده و در آنجا یک پست سرحدی دارند پست ایرانی در مغرب کال کله برقرار شده است. باین دلایل دعوی کیسبون ایرانی موجه شناخته نشد ولی مجرای رود کال کله در این قسمت در یک طول ۶ کیلومتری پر شده و از این رفته است. در نقشه ماکلین این قسمت بوسیله نقطه هائی نشان داده شده و اسم رود در آنجا تعیین گردیده است.

بوجهب این نقشه باید قبول کرد که ژنرال ماکلین شبهه غربی رود را سرحد قرار داده است ولی مجرای رود مدت نیم قرن باندازه بر شده بود که ممکن نیست آنرا در محل پیدا نمود و مجرای مزبور در محلی که راه هرات بشهد بان تلاقی میکند مجدداً ظاهر گردیده و تا هرات امتداد پیدا میکنند و بطوری که در نقشه نمره ۲ ضمیمه نشان داده شده است مجرای رود بلافاصله در شمال دربند خرابه منقسم میگردد ایرانی ها میخواستند شرقی ترین شبهه و افغانها غربی ترین شبهه را بعنوان سرحد قبول نمایند نظر باینکه همواره شعب مذکوره بر شده و جای آنها عوض میشود هیچک از آنها را نمیتوان سرحد قرار داد. یک خط مستقیم بین محلی که رود منشعب میشود و محلی که راه با رود تلاقی پیدا کرده و در آنجا رود مزبور مجدداً شروع میشود بهترین سرحد خواهد بود و باید سه علامت در دو انتها و در وسط این خط بطوریکه در نقشه بوسیله (C-B-A) نشان داده شده است نصب نموده و بعد در ملتقای رود از کال کله تا هریرود یک علامت دارای حروف (H) گذارده و بین علامت مذکور و علامت (C) و در کنار رود کال کله یک علامت دیگر دارای حرف (D) نصب نمود تا اینکه سرحد در محل بطور آشکار نشان داده شود.

چون ژنرال ماکلین نقطه منتهی الیه سرحد را در هریرود تعیین و همچنین پرتکل سرحدی روسیه و افغان نشان میدهد که سرحد روسیه کمی بالاتر در شمال در حوالی ذوالفقار شروع میشود لهذا هریرود واقعه بین این دو نقطه باید سرحد را تشکیل دهد نظر باینکه هریرود یک رود بزرگی است سرحد باید خط وسط البیاه آنرا تعقیب نماید.

۴ - تعیین خط سرحدی که هنوز تجدید نگردیده است

۱ - توصیف منطقه واقعه در انتهای خط ماکلین

خط ماکلین با وجود اینکه در چندین جا منحنی میباشد خطی است که بالجموع از شمال بجنوب امتداد یافته و افغانستان در شرق و ایران در غرب آن واقع می باشد.
منطقه واقعه در شمال یک خطی که از علامت سرحدی نمره ۳۹ بطرف مغرب امتداد یافته و منتهی الیه خط ماکلین میباشد باید تماماً بایران تعلق بگیرد منطقه متنازع فیه در جنوب خط مزبور واقع است.
کوههای شمتیف جزو منطقه میباشد که در خط ماکلین تعیین نشده است.
نظر باینکه چاه سرخ در اول منطقه متنازع فیه واقع است متعلق بافغانستان می باشد.
توضیحاتی که راجع بعلامت نمره ۳۹ داده شده در آخر ورقه مشخصات سرحدی ضمیمه یادداشت ماکلین مندرج است (ضمیمه الف - ۳) بقرار ذیل است:

این علامت خط ارتباطی بین چاه سرخ و تیرکشت را حفظ مینماید خط مزبور از وسط دره که بوسیله کداتارخ سرخ و پیش آمدگی علامت ۳۹ تشکیل میشود عبور مینماید
بالتبعه علامت ۴۹ طوری واقع شده که خط سرحدی راهی را که از چاه سرخ به تیرکشت میرود قطع نمیکند خود این کیفیت که لازم دانسته اند راهی که از چاه سرخ شروع گردیده و به تیرکشت میرسد حفظ کنند معلوم مینماید که این نقطه متعلق به افغانستان است و اگر اینطور نبود علامت ۴۹ در قله یال خر که مرتفع ترین نقطه است قرار میگرفت و هیچ ذکری از راه چاه سرخ - تیرکشت نباشد با در نظر گرفتن این مراتب لازم میشود که بعد از علامت ۳۹ خط سرحدی را طوری منحرف ساخت که چاه سرخ در خاک افغانستان بیاند.
ایرانی ها در یادداشت خود مدعی هستند که موسی آباد بآنها متعلق است بجهت اینکه محل مزبور در شمال غربی چاه سرخ انتها نقطه خط ماکلین (ضمیمه ث - ۱) واقع میباشد در صورتیکه نقطه انتهای خط ماکلین چاه سرخ نبوده و علامت ۳۹ میباشد که تقریباً در سه کیلو متری شمال غربی نصب گردیده است.

موسوی آباد در سمت در ۴۲ کیلومتری غربی همان علامت سرحدی واقع است.
ایرانی ها سرحدی را تقاضا نموده اند که از مشرق دریاچه (نیکسار) گذشته و بعد از چاه سرخ رباط ترک را هم شامل باشد معذک بطوری که در فوق گفته شد نظر باینکه چاه سرخ در خاک افغانستان میباشد ممکن نشد ترتیب اثری بتقاضای ایرانیها داده شود.
افغانها مدعی هستند که باید سرحد طوری تعیین گردد که دارای خط منحنی که از شمال بفریب موسی آباد در امتداد شمال غربی ادامه پیدا مینماید بوده و بعد از علامت نمره ۳۹ چشمه غشلوشی و سکیله دره سرگردان در خاک آنها بیاند.
با وجود اینکه از سالهای متعددی عشایر افغانی حلدت دارند به غشه لوشی و اطراف آن بیایند ولی نظر باینکه موضوع بطوریکه در فوق ذکر شد راجع به سرحدی است که تعیین و قبول گردیده است تقاضای افغانستان غیر قابل قبول شمرده شد.

۲ - تعیین سرحد بعد از علامت نمره ۳۹ و اختلاف راجع بموسی آباد

در متن بالا آمده تعیین خط سرحدی بعد از علامت نمره ۳۹ که نقطه انتهای جنوبی خط ماکلین را تشکیل میدهد و جستجوی نااطمئنه برای تعیین سرحد مزبور اینجاب را فوق العاده مقبول کرده بود.

کفیت و اهبت اختلاف راجع بوسی آباد همین قدر که امتداد خط سرحدی تعیین گردید بطور روشن ظاهر خواهد شد. من هیچ سند قراردادی برای اینکه بتوان قسمت غیر مشخص سرحد را با مجموع تعیین نماید پیدا نکردم حتی نقشه صحیحی در دست نبود بنابر این مجبور شدم پاره اطلاعاتی بدست بیاورم که بوجب آنها بتوان خط سرحدی را تعیین نمود برای نبل باین مقصود بدو شروع بمطالعه اسناد دیگری که طرفین داده بودند نموده و پاره اظهاراتی که در مواقع مختلفه یکی از طرفین کرده و ممکن بود در نفع استدلال طرف دیگر تعبیر گردد همچنین اعتراف های مثبت طرفین را مورد توجه قرار داده و وقتی که استدلالاتی که طرفین در مذاکرات و مباحثات خود کرده بودند بنظر این جانب غیر مکنفی آمد مجبور شدم برای آنکه اظهار عقیده راجع بواجب اداری متنازع فیه بطرفین بنایم مراجعه به اطلاعات نزدی تاریخی و همچنین اطلاعات جنرفیائی و توپوگرافی بکنم.

با در ذهن داشتن این اطلاعات راجع بعلامت نمره ۳۹ فکر کرده و می خواهم دو نکته ذیل را که ناشی از اظهارات قبل من میباشد مجدداً خاطر نشان بنایم:

نکته اول - نظر بوضعیتی که کلیه سرحد از شمال تا علامت نمره ۳۹ دارا میباشد اراضی که در شمال یک خطی میباشد که از علامت نمره ۳۹ بطرف مغرب امتداد می یابد باید بانطبیع و بوجب قرارداد ماکلین بایران تعلق بگیرد.

نکته دوم - ونیز توضیح دادم که بوجب توصیف راجع بعلامت نمره ۳۹ راه چاه سرخ - تیرکشت همچنین خود چاه سرخ باید در نتیجه قرارداد مقابل ماکلین در حدود افغانستان باقی بماند.

نقطه سوم اتکا - این نقطه را در تعیین نقطه سرحدی که از طرف شمال بدریاچه (نکسار) منتهی می شود پیدا کردم دریاچه (نکسار) از مدت ها باین طرف مورد استفاده طرفین بوده و مأمورین آنها مالیات اخذ کرده و نك آن بمرض فروش گذارده می شود در یادداشتی که از طرف کیسیون ایرانی بنا داده شده و سواد آن از طرف سفارت ایران به وزارت امور خارجه تر کیه ابلاغ گردید منجمله اشعار شده است:

(ماده ۳ - راجع به معدن نك واقعه در جنوب خوش آب و موسی آباد دولت ایران به احتیاجات افغان ها به نك اعتراف داشته و نمی خواهد مشکلاتی برای استفاده آن ها از نك تولید نماید و برای این مقصود حتی قبول خواهد کرد که از خط استاتوکو تجاوز شود معذک نظر حکم محترم را باین موضوع جلب مینماید که ایرانی ها نیز احتیاج به نك این محل دارند از طرف دیگر مساحتی که روی نقشه بعنوان معدن نك نشان داده شده تماماً دارای معدن نك نبوده و قسمتی از آن باطلاق و فاقد نك است بنا بر این لازم است سرحد را در این نقطه طوری تعیین کرد که یکقسمت نك باافغانستان تعلق بگیرد.)

دولت قبول میکند که سرحد از میان دریاچه نك عبور کرده و طرفین از آن استفاده نمایند. از تحقیقاتی که در این نقاط بعمل آمد واضحاً معلوم گردید که طرفین احتیاج دارند بنقدار مختلف تحصیل نك از این دریاچه شور نمایند. در کنار شمالی دریاچه (نکسار) دو تپه وجود دارد که در روی نقشه نشان داده شده است یکی از این دو تپه واقع در مشرق موسوم است بسياه کدوی افغان و دیگری واقعه در طرف مغرب که موسوم است بسياه کدوی ایران. از تحقیقاتی که باتفاق کیسیون های طرفین در محل و در قراء اطراف بعمل آوردم برای من اطمینان حاصل شد که تپه های فوق الذکر حقیقتاً دارای همان اسامی میباشد.

در یادداشتی که از طرف وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۰۲ بسفارت افغانستان فرستاده شده و جزو اسنادی است که از طرف کیسیون افغانستان تسلیم گردیده است سیاه کدو متعلق باافغانستان ذکر شده است (ضمیمه ها)

این مدارک بین ثابت نمود که سرحد لزوماً باید باعبور از بین سیاه کدوی ایران و سیاه کدوی افغانستان و دریاچه (نکسار) اتصال پیدا کند این تجدید باکیفیت و اوضاعی که از سالها باین طرف موجود است مطابق بوده و بطوری که تجربه نشان میدهد احتیاجات ملکین را از نك تأمین مینماید بدین طریق دو تپه سیاه کدو بعنوان سومین نقطه اتکا برای تجدید سرحدی انتخاب گردید.

نقطه چهارم - من خواستم خطی را که باید سرحد را بنا شروع از علامت نمره ۳۹ تعقیب نموده و به تپه های سیاه کدو اتصال پیدا نماید تصریح بنایم.

مادان نکلی که مورد استفاده ایران است در مغرب دریاچه و معدن مورد استفاده افغانها درکنار های شمالی و شرقی دریاچه واقع میباشد و این خط جدید نباید ضرری به استخراج نك وارد آورد.

در موقع تحقیقاتی که در منطقه واقعه در شمال دریاچه (نکسار) بعمل آورده ام راجع بروابط روزانه طرفین بین چاه فاضل و موسی آباد هم چنین دائر به پلایس و تفتیش سرحد اطلاعاتی تحصیل کردم. عشایر و گله های افغانی که میخواهند از رود سرگردان که از جنوب خوش آب جاری است عبور کرده و بطرف شمال بروند از طرف پست سرحدی ایرانی در خوشابه ماندت گردیده و توقف میشوند ولی به عشایر و گله هایی که بدون عبور از رود حرکت مینمایند مزاحم نبینوند بدین طریق پست سرحدی مزبور علاوه اراضی را بطور عادی تجدید مینماید. بطوری که اهالی ملکین میتوانند آزادانه از دریاچه دوز (نکسار) استفاده نمایند. باین ترتیب یک نقطه اتکائی در نتیجه این که سرحد از رود سرگردان درمشرق چاه فاضل عبور میکند بدست میاید.

نقطه پنجم - این نقطه باید بین علامت نمره ۳۹ و چاه فاضل قرار گیرد هرگاه کیفیت و شکل طبیعی و موقعیت کوه های شمتیج در نظر گرفته شود لازم میآید سرحد را در خط قله و دامنه های شمالی کوه های مزبور برقرار نمود و این هیچ سببی راجع باین موضوع که جنبه قرار دای داشته باشد پیدا نکردم در مراسلات سیاسی متبادله دولت ایران از تجاوز افغانها بوسی آباد شکوم نبوده و نسبت باین اوضاع شکایت

کرده بود. جز راجع بوسی آباد از هیچ مناقشه که مبادله مراسلات سیاسی را در مورد اراضی واقعه بین علامت نمره ۳۹ و چاه فاضل موجب گردیده باشد اطلاع پیدا نکردم.

دامنه های شمالی کوههای شمتیج همچنین دامنه های جنوبی آن از ایام خیلی قدیم محل سکونت عشایر افغان در فصل زمستان بوده است عشایر مزبوره همه ساله زمستان را در آنجا میگذرانند. اقامت عشایر مزبور در آنجا از قبرستان هائی که در نقاط مختلفه وجود دارد معلوم است عشایر در فصل زمستان بآنجا آمده و در اطراف چشمه ها سکنی میکنند عشایر مزبوره در پاره نقاط چاههایی نیز حفر کرده اند. صحت توضیحاتی را که در یادداشت تبدی (ضمیمه ۲) که از طرف کیسیون افغانستان تقدیم گردیده است و راجع به چشمه و چاههای مزبوره بود در محل ملاحظه نمودیم هیچ مدرکی راجع باقامت ایرانی ها در این منطقه و استفاده آنها از آنجا وجود ندارد بنابر این قهراً باید معترف شد که این نقطه متعلق باافغانها است راجع به تمدید سرحد بعد از علامت ۳۹ اصول ذیل اتخاذ گردید.

قسمت شمالی خطی که از علامت نمره ۳۹ بطرف مغرب امتداد پیدا کرده است باید بایران واگذار گردیده و دامنه های شمالی کوه های شمتیج که محل سکونت افغانها است باافغان واگذار شده و رود سرگردان که در مقابل چاه فاضل جاری میشود در امتداد سرحد باقی مانده و خط سرحدی به دریاچه اتصال داده شده و آن را از بین دو سیاه کدو عبور دهد.

هرگاه بعل اختلاف راجع بوسی آباد موفق شویم ممکن خواهد بود خط سرحدی را که از علامت ۳۹ به دریاچه نکسار امتداد پیدا میکند بطور قطعی تعیین نمایم.

۳ - موضوع موسی آباد

محل موسوم به موسی آباد مرکب است از یک چشمه و سه کلبه محقر گلی در بزرگترین این سه کلبه فراولان افغانی سکنی میکنند دو کلبه دیگر را یک نفر افغانی مورد استفاده قرار داده است آب موسی آباد از چشمه که آب آن از چاه هائی که بیکدیگر اتصال پیدا کرده اند حاصل میشود مجرای چاه های مزبور از شمال شروع گردیده و در طول تقریباً یک کیلومتر بطریق فنی بنائی و ساخته شده است.

کلبه های محقر گلی دارای قیمت و اهمیت نبیاشند. آب است که اهمیت و قیمت باراضی واقعه در اطراف موسی آباد میدهد. علاوه بر چشمه که شرح آنرا دادم در جنوب شرقی موسی آباد چشمه های دیگری بطور متفرق وجود دارد.

چشمه های مذکور در حدود اماکن زمستانی عشایر افغانی واقع شده اند علاوه موسی آباد تحت اشغال افغانها بوده ولی ایران از لحاظ حقوقی هیچوقت این اشغال را نشناخته و همواره بر علیه آن اعتراض کرده است.

بوجب اسنادی که از طرف دولت افغانستان برای رد اعتراضات دولت ایران نسبت باشغال موسی آباد (ضمیمه ۲ ب) بنا داده شد دولت انگلستان کرار برقرار ماندن استاتوکورا در موسی آباد تقاضا کرده است از این اسناد مستفاد میشود که هیچ جنبه قطعی و منکی بااساس حقوقی راجع باشغال موسی آباد از طرف افغانها در آن ایام داده نشده است فقط اشغال عملی از طرف افغانها نمیتواند در مقابل اعتراضات ایرانیها حق مالکیت حقوقی و قرار دادی به افغانها بدهد.

چشمه موسی آباد و مستحفظین سرحدی در خطی که از علامت نمره ۳۹ بطرف مغرب امتداد یافته قرار گرفته است. آبی که سبب آبدی این محل گردیده در اراضی جاری میشود که بلا تردید متعلق بایران است.

بنا بر دلایل مزبوره تصمیم گرفتیم منطقه موسی آباد را بدو قسمت تقسیم کرده و خاکی را که چشمه در آن واقع است و اراضی که از چشمه مزبور مشروب میشود بادوینای کلی بایران واگذار نموده و محل سکونت زمستانی عشایر را واقعه دروزو و جنوب همچنین قبرستان و چشمه های آن قسمت را باافغانستان واگذار بکنم.

طرفین متعهدین بر طبق این تصمیم حکمت میتوانند این واگذاری را بدون اشکال و مصارف متقابل انجام دهند مسلم است که املاک خصوصی تابع مقررات عمومی قوانین میباشد مزایای سیاسی و اداری تصفه اختلاف موسی آباد که از سی سال بااینطرف لاینحل مانده بود پیشمار است.

۴ - تعیین حدود قطعی سرحد بین علامت سرحدی نمره ۳۹ و دریاچه نکسار

در فوق اظهار کردم که چطور برای من ممکن گردید ماخذهایی را که برای تعیین سرحد بکار میخورند پیدا نمایم با استفاده از این ماخذ و با در نظر گرفتن راه خلی که برای اختلاف موسی آباد پیدا گردید من قطعاً سرحد را روی نقشه ترسیم نمودم در ترسیم این خط سرحدی بنظر من صحیح بنامد که بعد از آبدی رود سرگردان را ماخذ قرار دهم زیرا رود مزبور در قسمت اول خود بطور محسوس بطرف شمال قریب جریان داشته و بواسطه عرض مجرای خود برای سرحد مناسب است برای تسهیل امور پستهای سرحدی طرفین که برقرار خواهد شد ناچار خط سرحدی را از تپه هائی که در اراضی آنکسار است انتخاب نمودم.

خط سرحدی که بطور قطعی از علامت سرحدی نمره ۳۹ تا دو سیاه کدو تعیین گردیده همچنین محل علامتهائی که در این خط گذارده خواهد شد برقرار ذیل میباشد:

(نقشه شماره ۳)

علامت نمبر ۴۰ روی تپه کوچک واقعه در ۳ کیلومتر نیمی مغرب علامت نمبر ۳۹
علامت نمبر ۴۱ روی تپه اتا محمد در چهار کیلومتر نیمی علامت فوق الذکر
علامت نمبر ۴۲ روی تپه (انس سرت) در چهار کیلومتر نیمی مغرب علامت فوق الذکر
علامت نمبر ۴۳ روی تپه واقعه در ۵ کیلومتری مغرب علامت فوق الذکر

علامت ۴۴ روی تپه واقعه در چهار کیلومتری مغرب علامت فوق در دامنه غربی دوه سرگردان و در مشرق چشمه سید
(نقشه نمبر ۴)

علامت نمبر ۴۵ در ۱۰۰۰ متری مغرب علامت فوق و در ۱۵۰ متری شمال قبرستان افغانی
علامت نمبر ۴۶ در ۴۰۰ متری جنوب غربی علامت فوق و نزدیک زاویه آخرین دیوار باغ موسی آباد
علامت نمبر ۴۷ در ۱۲۰۰ متری جنوب غربی علامت ۴۶ و در دامنه واقعه در مغرب چشمه نوری
بعد از علامت نمبر ۴۷ سرحد بطرف جنوب (نقشه نمبر ۳) با عبور از یک طول تقریباً ۲ کیلومتری از خط کوچک
مقسم الیه امتداد یافته و بجنوب رود سرگردان سرازیر میشود.

علامت نمبر ۴۸ روی قله واقعه در ساحل شمالی رود مزبور ساخته خواهد شد از آنجا سرحد در طرف جنوب غربی
رود سرگردان را در یک طول ۴ کیلومتری تا تپه کوچک قوه داش تپه در دره تعقیب کرده و علامت نمبر ۴۹ در آنجا گذارده خواهد شد
از آنجا سرحد رود سرگردان را عبور و بخط قله قسمت غربی کوه شمشیر زنگلاب رسیده و در آنجا فاصله دو کیلومترو
نیم دورتر علامت نمبر ۵۰ در قله (نارایزوری) قرار داده شده و علامت نمبر ۵۱ در چهار کیلومتری نیمی در جنوب علامت قبل روی
هت تپه قرار داده خواهد شد (درست است که افغانها مالکیت تپه چاه فاضل را مطالبه میکنند ولی این تپه بعلاوه اینکه در مغرب
رود سرگردان واقع است تنها تپه است که دشت سارگون متعلق بایران را حفظ و حراست میکنند بنا بر این آن را بایران
واگذار کرده و بهمان دلیل در آنجا سرحد را از مشرق رود سرگردان گذرانم)

بعد از علامت نمبر ۵۱ سرحد مجدداً برود سرگردان سرازیر شده و تقریباً در طول ۲۰ کیلومتری آن را تعقیب نموده و
بمنطقه انشامب دوستان رودخانه که یکی کهنه و دیگری تازه است متصل میشود و در علامت ۵۲ قرار داده خواهد شد
از آنجا خط سرحدی تقریباً در یک طول ۱۰ کیلومتری بجای کهنه رود سرگردان را تعقیب نموده و سیاه کدوی
افغانستان را با افغانستان و سیاه کدوی ایران را بایران گذاشته و بدریچه نکسار منتهی گردیده و در آنجا در ساحل علامت نمبر ۵۳
قرار داده خواهد شد از این نقطه سرحد در جنوب از دریچه گذشته و در مغرب با ساحل دریچه کال یارک میرسد

۵ - سرحد در جنوب دریاچه نکسار

کال یارک جنوبی ترین زاویه دریاچه نکسار را تشکیل میدهد این محل قریه نبوده و محل قتلای عقابری زیاد افغانی است
تعلق محل مزبور با افغانها ناشی از اسناد دیگر نیز میباشد بنا بر این خط سرحدی از علامت نمبر ۵۴ که در ساحل دریاچه درشش
کیلومتری شمال غربی محل مزبور قرار داده خواهد شد شروع خواهد گردید

نقشه نمبر ۵

یک راهی بین ایران و افغانستان در قسمت جنوبی دریاچه نکسار امتداد یافته و از کال حوض عبور می کند لازم است
دو لاین در این راه پست های سرحدی بر قرار نمایند بهترین محل بالطبع طرفین کال حوض خواهد بود پست ایران ممکن
است در دامنه غربی کال حوض و پست افغانستان در دامنه مقابل قرار داده شود

کال حوض قریه نبوده و یک محل غیر مسکونی دارای دو آب انبار آجری که ساختمان آنها قدیمی است میباشد فاصله بین آنها ۵۰ متر است پاره قسمت های
آب انبار های مزبور خراب و متروک گردیده است ولی میتوان آنها را تعمیر نموده و برای پست های سرحدی مورد استفاده
قرار داد باین دلیل باید آب انبار واقعه در مغرب راه ایران و آب انبار مشرق را با افغانستان واگذار نمود

علامت نمبر ۵۵ در یک فاصله متساوی بین این دو آب انبار قرار داده خواهد شد از این نقطه خط سرحدی تقریباً
در یک فاصله ۸ کیلومتری بطرف جنوب رفته و بمنتهی نقطه هاشم تپه رسیده و علامت نمبر ۵۶ در قله تپه مزبور قرار داده
خواهد شد علامت نمبر ۵۷ روی طلعت تپه واقعه در ۷ کیلومتری جنوب شرقی علامت فوق الذکر قرار داده خواهد شد
این نقطه انتهایی منطقه دریاچه دغ پترکان میباشد و عقابری چادر انبوه افغانی در نواحی مغرب محل مزبور که مرتفع
آنها میباشد با وجود حضور ایرانیها که یزدان را واقعه در ساحل شرقی دریاچه در تصرف دارند بطور متفرق ساکن هستند
خط سرحدی در این منطقه موکول بر نوشت محل یزدان است اگر نقاط یزدان و کبوه از طرف ایرانیها اشغال نشود
مکان بود سرحد را از طلعت تپه در مسیر صومعی جنوب با قطع دغ پترکان قرار داد ولی اگر قبول بکنیم که این ناحیه
متعلق بایران است لزوماً باید خطوط ارتباطی برای این نقطه قائل بشویم

۶ - سرحد در جنوب دریاچه نکسار

محل یزدان که فعلاً مرکب است از یک مزرعه و چند خانوار سکنه و یک پست زاندری و یک دفتر گمرکی در

دست ایرانیها است و کبوه واقعه در ۱۲ کیلومتری جنوب یزدان که دارای یک مزرعه و چند خانوار سکنه است نیز تحت
اشغال ایرانیها است. بین این دو محل مزرعه نظر خان متعلق بیک نفر افغانی واقع میباشد در اطراف محلهای مزبور تقاضای
وجود دارد که عشاير افغانی در ایام زمستان از آن استفاده میکنند دولت افغانستان مدعی است که این اراضی با متعلق بوده و
جزو منطقه است که تا حال تجدید نگردیده و ایرانیها از عدم انتظامیکه در ایام انقلاب در افغانستان حکم فرما بود استفاده
کرده و در آنجا مستقر شده اند و در اینصورت اشغال اراضی مذکوره از طرف ایرانیها نمیتواند عنوان مالکیت قانونی داشته
باشد ایرانیها اوراقی ارائه کردند که مشعر بر حق مالکیت آنها در ایام خیلی قدیم نسبت بمنطق مزبور میباشد افغانها هم بنوبه
خود اسنادی مخالف اسناد ایرانیها ارائه دادند مطالعه کلیه اسناد مزبوره واضحاً نشان داد که موضوع در واقع راجع باوراق
مالکیت خیلی قدیمی است که از طرف اشخاص متفرقه صادر گردیده است بنا بر این ممکن بود اسناد مزبور را بنبابه اسناد رسمی
مشته که بتواند وضعیت جغرافیایی خط سرحدی را عوض نماید فرض نمود. افغانها هیچوقت اعتراضی نسبت باشغال این منطقه از
طرف ایرانیها ننموده اند تصرف این اراضی از طرف ایرانیها بطل و جهات مبنی بر ضرورت و احتیاج بوده که کاملاً شبیه
بطل و جهانی است که افغانها را وادار نمود که در منطقه شمال دریاچه نکسار مستقر شوند. با فقدان مدارک مثبت و وضعیت
حاضر را باید بالطبع برای تصمیمیکه راجع بخط سرحدی اتخاذ خواهد شد مدرک قرار داد.

بنا بر این دلائل محلهای یزدان و کبوه بایران واگذار گردیده و مزرعه نظر خان واقعه بین این دو نقطه که مالک
تیمه افغان آن هیچوقت تابع اوامر پست ایرانی نبوده است با افغانستان واگذار میشود.

بنا بر این راه یزدان که با عبور از چشمه پترکان و چاه توم بداخل ایران می گذرد همچنین راه کبوه که آن نیز
از میان خوشابه (معصوم آباد) و ملکی داخل خاک ایران میشود باید بایران تعلق بگیرد بنا بر این فوق خط سرحدی باید بعد از
از طلعت تپه بسمت جنوب شرقی امتداد یافته و بقله واقعه در ۹ کیلومتری که در آنجا علامت ۵۸ قرار داده خواهد شد منتهی
گردد خط سرحدی در امتداد جنوب شرقی تا نقطه موسوم به کوچک قوه واقعه در پنج کیلومتری ساحل دریاچه که در آنجا
علامت سرحدی ۵۹ گذارده خواهد شد ادامه پیدا خواهد کرد در صورتیکه علامت نمبر ۶۰ باید در همان امتداد و با قطع
نقطه شمالی دریاچه روی تپه واقعه در جنوب مصب کاج رود قرار داده شود

بدین ترتیب چشمه پترکان و چاه توم در خاک ایران باقی مانده و چشمه ها کوه و چاه محمد در افغانستان باقی خواهد
ماند و سرحد امتداد شرقی را در یک فاصله ده کیلومتری تعقیب نموده و علامت نمبر ۶۱ در چهار کیلومتری در شمال گمرک
خانه یزدان (نقشه نمبر ۶) و علامت نمبر ۶۲ در نقطه واقعه در ۵ کیلومتری شمال شرقی گمرکخانه فوق الذکر و در
۱۰۰ متری مشرق ابتدای مجرای آب که بطرف یزدان میرود و تقریباً در پنج کیلومتری جنوب شرقی علامت نمبر ۶۱ قرار
داده خواهد شد.

علامت نمبر ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ بقرار ذیل قرار داده خواهد شد

اولی در ۲ کیلومتری جنوب غربی علامت ۶۲ در کنار شمالی نهر حوض و دومی تقریباً در دو کیلومتر و نیمی
مغرب علامت فوق الذکر و در کنار جنوبی نهر مذکوره و سومی تقریباً در دو کیلومتری غربی علامت ۶۳ در کنار شمالی
مجرای نهر فوق الذکر بستر نهر حوض سرحد بین علامت ۶۳ و ۶۵ قرار داده شده و بعد سرحد رو به جنوب غربی رفته تا
مجرای آب موسوم به شوراب دریک مساحت پنج کیلومتری با گذاشتن مزرعه نظر خان در افغانستان ادامه پیدا کرده و علامت سرحدی
نمبر ۶۶ در کنار شمالی شوراب قرار داده شده است

بعد سرحد مسیر جنوب شرقی را گرفته و بعلامت نمبر ۶۷ که در قله شور واقعه تقریباً در دو کیلومتری جنوب
شور آب قرار داده شده منتهی میگردد و از آنجا دریک مساحت ۵ کیلومتری در مسیر کوه کبوه بطرف جنوب رفته و مزرعه
وقله کبوه را در خاک ایران میگذارد

علامت نمبر ۶۸ در کنار شمالی رود غلو که از شمال کوه کبوه عبور میکند قرار داده خواهد شد با واگذاری
راهی که از کبوه به خوشابه (معصوم آباد) میرود همچنین چشمه و کوه مازنگی بایران سرحد در مسیر جنوب غربی و دامنه های
شمالی و غربی کوه کبوه و قدری دورتر امتداد پیدا میکند بطوری که راهی را که از دامنه های مزبور بطرف شوراب خواهد
رفت برای افغانستان میگذارد برای تامین این ترتیب علامت نمبر ۶۹ دریک محل مسطح در مغرب کوههای کبوه (نقشه نمبر ۵)
قرار داده خواهد شد.

بعد خط سرحدی در یک مسافت ۱۲ کیلومتری بسمت جنوب غربی رفته و به تپه واقعه در شمال غربی کوه نکسار منتهی
می شود در آنجا علامت نمبر ۷۰ گذارده شده و از آنجا در امتداد جنوب غربی بالای تپه هارا سیر کرده و بدنه شوراب
واقعه دریک مساحت تقریباً ۱۵ کیلومتر منتهی میگردد علامت نمبر ۷۱ روی تپه واقعه در شمال گردنه مزبور گذارده خواهد شد چشمه
شوراب در افغانستان مانده و چاه تک و معصوم آباد (خوشابه) در خاک ایران باقی خواهد ماند. سرحد باز با امتداد بطرف
غربی از چشمه شوراب گردنه را قطع نموده و خط مقسم البه را تعقیب کرده و بطرف قله گوری کوه بالا رفته و در آنجا علامت
نمبر ۷۲ گذارده خواهد شد

۶ - سرحد در منطقه لم یزرع

سرحد در امتداد جنوب بعد از کوریکوه سیر کرده و ملکی در ایران و کاریزک شهاب را در افغانستان گذاشته و به نقطه غربی دولکوه سیاه دولکولکه انتهای قسمت کوههای افغانستان را تشکیل میدهد منتهی میگردد علامت نمره ۷۳ در ۵۰۰ متری غربی نقطه مذکور قرار داده شده است نقطه موسوم به کولورد در ایران میباشد .

بعد سرحد تقریباً دشت نا امید را از وسط قطع کرده و در امتداد جنوب شرقی ادامه پیدا نموده و علامت نمره ۷۴ تقریباً در یک مسافت ۳۵ کیلومتری علامت سرحد نمره ۷۳ و تقریباً در ۱۵ کیلومتری غربی چاه مزار قرار داده شده است .

سرحد با تعقیب همان امتداد در یک مسافت تقریباً ۲۵ کیلومتری چاه مزار را در افغانستان گذاشته و از ۵۰۰ متری مغرب چاه سگتر عبور کرده و علامت نمره ۷۵ در این نقطه قرار داده شده است .

نقطه موسوم به سرخ تیغ در خاک ایران می ماند با وجود اینکه افغانستان حاکمیت ایران را در این محل قبول ندارد و وضعیت جغرافیائی آن در دامنه کوهها و در راههای ایرانی چنین تجدیدی را ایجاب میکند .

سرحد در یک مسافت ۱۵ کیلومتری در همان امتداد ادامه پیدا کرده و بنقطه واقعه در کنار دره رسیده و در آنجا علامت نمره ۷۶ قرار داده خواهد شد .

علامت نمره ۷۷ در یک نقطه تقریباً ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی علامت ۷۶ و در چهار کیلومتری غربی تپه سنگلاخ واقعه در انتهای شمالی کوههای هفتاد کر و علامت ۷۸ تقریباً در ۷ کیلومتری علامت فوق در راهی که از چاه دمدم و چاه سکلک می رود و در پنج کیلومتری غربی در چاه سکلک برقرار خواهد شد .

نظر باینکه دعوی افغانها راجع به مالکیت چاه سکلک بی اساس شمرده شد محل مزبور بایران واگذار گردیده و چاه دمدم در خاک افغانستان باقی می ماند بعد خط سرحدی تقریباً در یک مسافت ۱۵ کیلومتری بطرف جنوب امتداد پیدا کرده و در خط مستقیم تا علامت نمره ۷۹ که روی تپه واقعه در مدخل دره غورغوری قرار داده خواهد شد و در کنار جنوبی مجرای آبی که از این دره خارج میشود ادامه پیدا میکنند و دهانه غورغوری در خاک ایران میباشد .

۷ - سرحد در منطقه کوهستانی

لرزم دخول در منطقه کوهستانی در حال که خط سرحدی در منطقه لم یزرع در امتداد جنوبی سیر میکنند ناشی از این است که باید بسپاه کوه که انتهای خط ما کاهون است برسد نگاه داشتن خط ما کاهون بر طبق مقررات مقاوله نامه لازم می باشد .

با این که خط ما کاهون در جنوب و خط ما کلین در شمال بایستی اتصال پیدا نماید برعکس در نتیجه این که اولی از دریاچه هامون شروع گردیده و بطرف مغرب می رود و دومی امتداد جنوب شرقی را از هشتادان تعقیب مینماید از هم جدا و دور می شوند و در این باب لازم باظهار عقیده راجع بیک وضعیتی که علل آن مربوط بایام قدیمی است نبیناید . وضعیت جغرافیائی در این منطقه نشان داده که کوه آلتای واقعه در نزدیکی قله خورماقا در جنوب دره غورغوری یک نقطه خیلی آشکاری برای تجدید حدود میباشد سیاه کوه نیز در جنوب کوه مزبور واقع شده است نظر باین که این نواحی غیر مسکون میباشد خطی که از آنجا بطرف جنوب کشیده میشود سرحد را تشکیل داده و کوههای مرتفع که در مغرب این خط میباشد ممکن است بایران تعلق داشته و قله های نسبتاً پست تر کوههای مزبور که در طرف دریاچه هامون سرازیر می شود بصرف افغانستان در آید . با وجود این که افغانها تجدید خط سرحدی را بعد از سیاه کوه بطرف شمال غربی با تعقیب خط قله تقاضا کرده بودند ولی مبادرت بآن ممکن نگردید زیرا دلیل موجهی برای این اقدام وجود نداشت . و همان طوری که بهشایر افغانی در اطراف انتهای جنوبی خط ما کلین حق داده شد لازم است بهمان ترتیب با عشایر بلوچ و کرد ایرانی که در اطراف انتهای غربی خط ما کاهون ساکن می باشند رفتار شود در صورتیکه عشایر ایرانی صاحب چلگه هایی در اطراف سیاه کوه میباشد میتوان گفت که عشایر افغانی در آنجا وجود ندارند بنا بر این خط سرحدی باید بعد از مدخل دره غورغوری در امتداد سیاه کوه بسط جنوب سیر نماید علامت نمره ۸۰ در مرتفع ترین قله کوه آلتای قرار خواهد گرفت بعد بکوه مرتفع دیگر واقعه در جنوب کوه اولی رفته و از آنجا نخته سنگهای ساری تالارا که یک خط قاصل طبیعی مثل یک دیواری تشکیل میدهد تعقیب نموده و به تپه فؤاد رسیده و در آنجا علامت نمره ۸۱ قرار داده خواهد شد (نقشه نمره ۷)

از آنجا خط سرحدی بالای اینجی کاپارا تعقیب و بطرف مجرای آب اسپران سرازیر شده و علامت نمره ۸۲ روی قله که ۱ کیلومتر آن طرف واقع گردیده است قرار داده شده است و علامت نمره ۸۳ در قله سپوری تپه که در سه کیلومتری جنوب علامت فوق الذکر واقع است گذارده خواهد شد این سرحد کوه اسپران را با افغانها و اگذار خواهد نمود که از آنجا سنگ آسیا استخراج می نمایند و چاه آب شور اسپران که عشایر لازم دارند نیز با افغانها تعلق خواهد گرفت و صحرای اسپران که در مقابل کوه سرخ پر زوری امتداد پیدا میکند بایران تعلق می آید . با این که وجود یک کله محقر و چند منزه نزدیک چشمه اسپران که اظهار میشود متعلق به یک نفر ایرانی است مورد مذاکره واقع گردید ایرانی مزبور پیدا نشده و از طرف دیگر این موضوع

کافی نبود که وضعیت جغرافیائی سرحد تغییر داده شود . از تحقیقاتیکه بعمل آمد معلوم شد که این محل با افغانها متعلق است . قله ای که روی آن علامت نمره ۸۳ باید قرار گیرد قله ایست که در مغرب راهی که از اسپران بطرف گل نی می رود واقع میباشد و راه مزبور متعلق با افغانستان است .

خط سرحدی در مسیر جنوبی در یک مساحت تقریباً ۷ کیلومتر ادامه پیدا کرده و منتهی بقله منفردی واقع شده موسوم بقله سردار که روی آن علامت نمره ۸۴ نصب خواهد گردید بعد سرحد با قطع پاره مجاری آب و چندین تپه باز بطرف جنوب امتداد یافته و بطرف سیاه کوه رفته گل نی و چاه ما را در افغانستان و شنده بلوچ را در ایران خواهد گذارد

علامت های نمره ۸۵ (نقشه نمره ۵) و نمره ۸۶ و نمره ۸۷ بقرار ذیل قرار خواهند گرفت

علامت اولی در قله واقعه در مغرب گل نی و دومی در نقطه مرتفعی که تقریباً در ۸ کیلومتری جنوبی علامت اول واقع است و سومی روی کوهی که در جنوب علامت دوم واقع میباشد در آنجا سرحد بسپاه کوه اتصال پیدا میکند .

۸ - در نواحی غیر مسکونه مسافت بین علامت محض احتراز از مخارج طولانی تر قرار داده شد معذک هرگاه طرفین لازم بدانند ممکن است علامت دیگری در خط مستقیم بین علامت قرار داده و آنها را بوسیله حروف تشخیص داد .

۹ - علائمی که دارای رقم تک میباشد از طرف ایرانیها نصب گردیده و علامت دارای رقم جفت را افغانها نصب خواهند نمود .

۱۰ - نظر باینکه کمیسیون افغانی تعیین بست های پاسبانی را در خط سرحدی جدید تقاضا نمود این موضوع در ضمیمه (ح) بعنوان توصیف اشعار گردید .

۱۱ - این تصمیم در شش نسخه تحریر یافته و بوزارت امور خارجه ترکیه تسلیم شد که بهر یک از طرفین متعاهدین دو نسخه ابلاغ نماید

حکم

سید محمد فخرالدین آلتای مفتش آتش اول جمهوری ترکیه

لزوماً علاوه میشود که بنهائیم اصل قرار داد که بزبان ترکی است ترجمه نشده

اجازه اجرای رأی حکمیت دولت ترکیه راجع به تجدید حدود ایران و افغانستان مشتمل بر هفت فصل مشروح فوق در

جلسه سیزدهم مهر ماه یک هزار و سیصد و چهارده شمسی داده شده است رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه ضرب ده میلیون ریال مسکوک مس

ماده واحده - مجلس شورای بوزارت مالیه اجازه میدهد معادل مبلغ ده میلیون ریال مسکوک مس بقطعات پنجاه دیناری (ده شاهی) ضرب نماید قطعات مزبور دارای اعتبار قانونی بقیمت اسمی بوده و معادل آن ذخیره طلا و نقره در خزانه بانک نگاهداشته خواهد شد . مخارج ضرب سکه های مزبوره از محل اعتبار ضرابخانه تأدییه خواهد شد .

بانک ملی ایران مکلف است سکه های فوق را در حدود احتیاج بچیران بگذارد .

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه سیزدهم مهر ماه یک هزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون مدنی

جلد سوم

در اجله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷ - هر کس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج بدلیل باشد اثبات امر بر عهده او است .

ماده ۱۲۵۸ - دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است :

۱ - اقرار .

۲ - اقرار کتبی .

- ۳ - شهادت .
 ۴ - امارات .
 ۵ - قسم .

کتاب اول - در اقرار

باب اول - در شرایط اقرار

- ماده ۱۲۵۹ - اقرار عبارت از اخبار بحقی است برای غیر بر ضرر خود .
 ماده ۱۲۶۰ - اقرار واقع میشود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید .
 ماده ۱۲۶۱ - اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است .
 ماده ۱۲۶۲ - اقرارکننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنا بر این اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مسکرمه مؤثر نیست .
 ماده ۱۲۶۳ - اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست .
 ماده ۱۲۶۴ - اقرار مفلس و ورشکسته نسبت باموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست .
 ماده ۱۲۶۵ - اقرار مدمی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه باموال خود بلاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء اثر نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد .
 ماده ۱۲۶۶ - در مقرره اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه بنفع او اقرار شده است بشود .
 ماده ۱۲۶۷ - اقرار بنفع متوفی درباره ورثه او مؤثر خواهد بود .
 ماده ۱۲۶۸ - اقرار معاق مؤثر نیست .
 ماده ۱۲۶۹ - اقرار باسریکه عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد یا بر حسب قانون صحیح نیست اثری ندارد .
 ماده ۱۲۷۰ - اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود .
 ماده ۱۲۷۱ - مقرره اگر بکلی محمول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است .
 ماده ۱۲۷۲ - در صحت اقرار تصدیق مقرره شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت .
 ماده ۱۲۷۳ - اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً محقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسیکه بنسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده بشرط آنکه منازعی در بین نباشد .
 ماده ۱۲۷۴ - اشتغال مقر و مقرره در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست .

باب دوم

در آثار اقرار

- ماده ۱۲۷۵ - هر کس اقرار بحقی برای غیر کند ملزم باقرار خود خواهد بود .
 ماده ۱۲۷۶ - اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت .
 ماده ۱۲۷۷ - انکار بعد از اقرار مسوع نیست لیکن اگر مقرا دعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده میشود و همچنین است در صورتیکه برای اقرار خود عنری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار بگرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر باقرار نیست .
 ماده ۱۲۷۸ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردیکه قانون آنرا ملزم قرار داده باشد .
 ماده ۱۲۷۹ - اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی میتوان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی بشهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بوقوع اقرار موجود باشد .
 ماده ۱۲۸۰ - اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است .
 ماده ۱۲۸۱ - قید دین در دفتر تجار بمنزله اقرار کتبی است .
 ماده ۱۲۸۲ - اگر موضوع اقرار در محکمه مقید بقید یا وصفی باشد مقرره نمیتواند آنرا تجزیه کرده از قسمتی از آنکه بنفع او است بر ضرر مقر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند .
 ماده ۱۲۸۳ - اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر باشد که ارتباط تامی بایکدیگر داشته باشند مثل اینکه مدمی علیه اقرار بخند وجه از مدمی نموده و مدمی رد شود مطابق ماده ۱۳۲۴ اقدام خواهد شد .
 این قانون که مقتبل بریست و هفت ماده است در جلسه سیزدهم مهرماه یکپزار و سیصد و چهارده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اعتمادی